

رئیس‌الکتاب؛ خانواده‌ای هنرمند در مدرسه دارالفنون

● سمیه شریفی نژاد* ● نیایش پورحسن**

اشاره

خانواده رئیس‌الکتاب از خانواده‌های هنرمند ایرانی در دوره قاجار هستند که متأسفانه سرنوشت و آثارشان در تاریخ هنری ایران به فراموشی سپرده شده است.

در تاریخ دارالفنون و مباحث هنری ایران، از هنرمندان این خانواده سخن چندانی برده نشده است. حتی در کتاب محمدعلی کریمزاده تبریزی^۱ که چند سطر یکی از اعضای این خانواده اختصاص داده شده است، با هنرمند هم‌نام دیگری اشتباه و یکسان تصور شده است.

امید است که در مقاله حاضر، گوشه‌ای از زندگانی و فعالیت‌های این خانواده هنرمند روشن‌گری شود.

□ خانواده رئیس‌الکتاب

میرزا عبدالوهاب پسر میرزا محمدحسین کاتب بحرانی (بحرینی) ملقب به رئیس‌الکتاب مستوفی پسر شیخ ابوطالب بحرینی پسر شیخ محمد بحرینی است که در خانواده‌ای سرشناس در دهه ۱۲۷۰ ق. متولد شد.

با استناد به کتاب گنج شایگان^۲؛ جد این خاندان یکی از کاملین مشایخ و پیشوایان مجتهدین بحرین به نام شیخ محمد بود که از بحرین به مشهد رهسپار و سپس به تهران

۱. کریمزاده تبریزی، محمدعلی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، جلد ۱، لندن، ۱۳۶۳ خ. صص ۳۴۷-۳۵۰.

۲. اصفهانی، میرزا طاهر: گنج شایگان، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۲۲ ق. ص ۵۷۹.

* کارشناس مرمت نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی
E-mail: Sharifisomi644@gmail.com

** پژوهشگر و از اعضای کانون نویسندگان و منتقدان خانه تئاتر ایران
E-mail: pourhassaniayesh@gmail.com

سفر نمود و به دستگاه عبدالله میرزا وارد گردید. وی به درخواست عبدالله میرزا که در آن زمان حکمران خمسه و زنجان بود، برای ارشاد اهالی زنجان عازم آن نواحی گردید و در همان جا سکونت گزید تا این که دار فانی را وداع گفت.

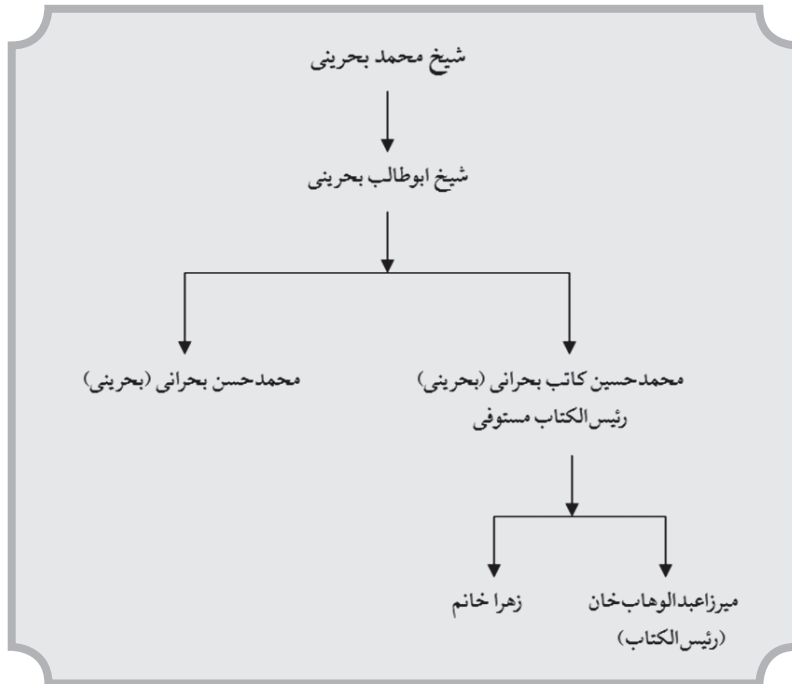
پسر وی یعنی شیخ ابوطالب، مردی باهنر بود که هفت خط را بسیار خوب می‌نوشت و در صنعت و نقش و رنگ‌پردازی و تذهیب و ساعت‌سازی متبحر بود. وی که به نظم و نثر عربی و فارسی تسلط داشت، در شعر «شاهین» تخلص می‌کرد.

او که سال‌ها در دستگاه میرزاتقی علی‌آبادی خدمت می‌نمود، سرانجام در سال ۱۲۵۳ ق. به مرض حصبه و یرقان در ساوجبلاغ از بلوک اطراف تهران درگذشت.

او صاحب دو پسر به نام‌های محمدحسین کاتب و محمدحسن بود که این دو پسر ابتدا به اعتبار جایگاه نخستین و مسقط‌الرأس خود بحرانی یا بحرینی نامیده می‌شدند.

این دو برادر، ابتدا تحت تربیت پدری هنرمند و فاضل تربیت یافتند و پس از وفات او، نزد میرزا محمدتقی علی‌آبادی و میرزا طاهر اصفهانی دیباچه‌نگار (مؤلف کتاب تذکره گنج شایگان) تعلیم یافته و در خط نستعلیق کامل شدند.

میرزا حسن خان پس از مدتی منصب لشکر نویسی یافته و به آذربایجان مأمور گردید و مشغول خدمات دیوانی کشور شد. وی متوفی به سال ۱۳۰۵ ق. است.



میرزا محمدحسین (حدود ۱۲۵۰-۱۳۱۵ ق.)^۱ در نزد میرزا طاهر دیباچه‌نگار به تحصیل قواعد صرف و نحو و منطق و محاسن بدیع و نکات معانی و دقایق بیان پرداخت و خط نستعلیق را در محضر حکیم عاقل میرزا علی محمد صفا تکمیل کرد و در حدود سن پانزده سالگی گوی سبقت را از هم‌گنان خود ربود.

از آن‌جا که میرزا طاهر اصفهانی دیباچه‌نگار (متوفی ۱۲۷۵ ق.)، نزد علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه (وزیر علوم دوره ناصرالدین‌شاه) تقرب زیادی داشت، لذا میرزا محمدحسین نیز به اعتبار این تقرب به جرگه ملازمان اعتضادالسلطنه پیوست و بنا به حسن‌نیتی که از خود نشان داد در دهه ۱۲۶۰ ق. به‌عنوان کفیل رسائل و احکام و بعدها نایب وزارت علوم و از منصب‌داران اصلی مدرسه دارالفنون نائل گردید. چنان‌چه خود وی در پایان کتاب گنج شایگان، در این خصوص چنین نوشته است:

«اکنون نهم سال است که محمدحسین در حضرت شاه‌زاده اعظم افخم اعتضادالسلطنه العلیی‌العالیی علی‌قلی میرزا دام‌مجده نظر مرحمت و التفات و مورد انواع عنایت و تربیت است. کفایت رسائل و احکام نیز به‌عهده اوست.»^۲
وی هم‌چنین قطعه شعری دارد^۳ که مبین امتنان و ارادت او به اعتضادالسلطنه است:

ز حسن تربیت حضرت وزیر علوم مرا نکات صنایع همی شده معلوم
وگر نه بی‌مدد اهتمام حضرت او به روزگار نه معلوم بودم و معدوم

میرزا محمدحسین که از معتمدان اعتضادالسلطنه به‌شمار می‌رفت، چندی بعد به‌واسطه حمایت این شاه‌زاده به دستگاه مهدعلیا (مادر ناصرالدین‌شاه) وارد شد و در زمره پیش‌کاران خاصه وی قرار گرفت.

او ابتدا به سمت کتابداری و رئیس کاتبان دربار مهدعلیا منصوب؛ و سپس به‌عنوان کتابدار دربار ناصرالدین‌شاه برگزیده شد و به اقتضای همین سمت در سال ۱۲۷۵ ق. به لقب مداخل‌نگاری ملقب گردید.

در اسناد موجب خدمت‌کاران مهدعلیا نام و سجع مهر رئیس‌الکتاب در پای برخی از اسناد مشاهده می‌شود و موجب شش ماهه وی در آن زمان دوپست تومان بوده است.^۴

۱. تاریخ تولد وی تا حد زیادی با اختلاف درج شده است. در یادداشتی تک‌برگی از وی که امروزه به‌شماره (۲۹۶/۰۲۴۱۹۱) در مرکز اسناد کتاب‌خانه ملی ایران نگهداری می‌شود، او در سال ۱۳۱۱ ق. سن خود را قرین به شصت سال قید نموده است. حال آن‌که یکی از نوادگان وی به نام مصطفی ساعدلو، سن ایشان را هنگام وفات قرین به هفتاد و هفت سال ثبت کرده است؛ یعنی آن‌که ایشان بنا به نوشته نوه‌اش در حدود سال ۱۲۳۸ ق. به دنیا آمد؛ که طبیعتاً دور از ذهن به‌نظر می‌رسد.

۲. همان: ص ۵۷۹.

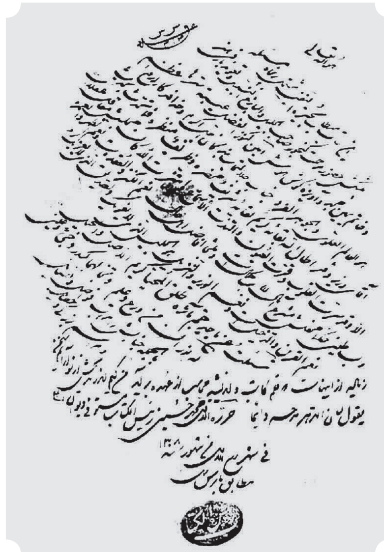
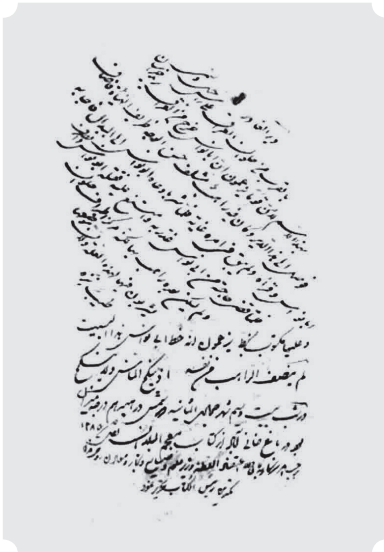
۳. ساعدلو، مصطفی: میرزا محمدحسین مستوفی، مجله آینده، سال ۱۲، شماره ۴ و ۵ و ۶، تیر و مرداد و شهریور ۱۳۶۵ خ. ص ۲۶۶.

۴. بنگرید به: نوایی، عبدالحسین: مهدعلیا به روایت اسناد، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳ خ. صص ۱۹۴ تا ۱۹۶.



میرزا محمدحسین که در سال ۱۲۸۰ ق. به لقب رئیس‌الکتاب و نیابت وزارت علوم منصوب شده بود، با استناد به روزنامه دولت علیه ایران (مورخ ۱۰ ذیحجه ۱۲۸۶ ق.) برحسب استدعای اعتضادالسلطنه یک طاقه شال کشمیری به رسم خلعت دریافت نمود.^۱

میرزا محمدحسین رئیس‌الکتاب در سال ۱۲۹۴ ق. به مدیری انتظام و تنظیمات حسنه چند نقطه از ممالک محروسه ایران قرین اعتبار گردیده و به طوری که باید و شاید از عهده خدمات دیوانی برآمد و در سال ۱۳۰۲ ق. به مضمون و قلم‌الکاتب ضابط و قلم‌المحاسب ضابط به منصب جلیل و شغل نبیل استیفا ممتاز و قرین مفاخرت و اعزاز آمد.



دست‌خط‌های میرزا محمدحسین رئیس‌الکتاب در سال‌های ۱۲۸۵ و ۱۳۰۸ ق.

۱. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۶۴۰، پنج‌شنبه ۱۴ ذیحجه ۱۲۸۶ ق. ص ۹.

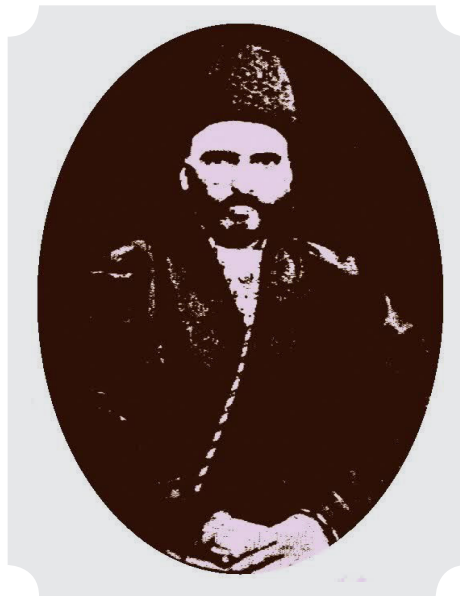
هم‌چنین وی در تاریخ صفر ۱۳۰۸ ق. بنا به حکم ذیل به منصب استیفا (از درجه دوم) سرافراز گردید.

«میرزا محمدحسین رئیس‌الکتاب که سال‌های سال در درب‌خانه مرحومه مغفوره مهدعلیا طابت‌ترتبتها و در دایره وزارت علوم به راستی و درستی مشغول خدمت بوده؛ خدمات معزی‌الیه منظور نظر ملوکانه افتاده به تصویب جناب مستطاب امین‌السلطان وزیراعظم به منصب استیفا منصوب و مفتخر گردید.»^۱

وی مدتی بعد در تاریخ ذیحجه ۱۳۱۲ ق. بنا به حکم ذیل به منصب استیفا (از درجه اول) و خطاب جنابی سرافراز شد.

«میرزا محمدحسین رئیس‌الکتاب مستوفی دوم که از قدیمی چاکران و خدمت‌گزاران دیوان اعلی است به اقتضای حسن خدمت، سزاوار ارتقای رتبت آمده؛ به صواب‌دید جناب مستطاب اشرف امجد صدراعظم به منصب استیفا از درجه اول منصوب و به خطاب جنابی مخاطب و سرافراز شد.»^۲

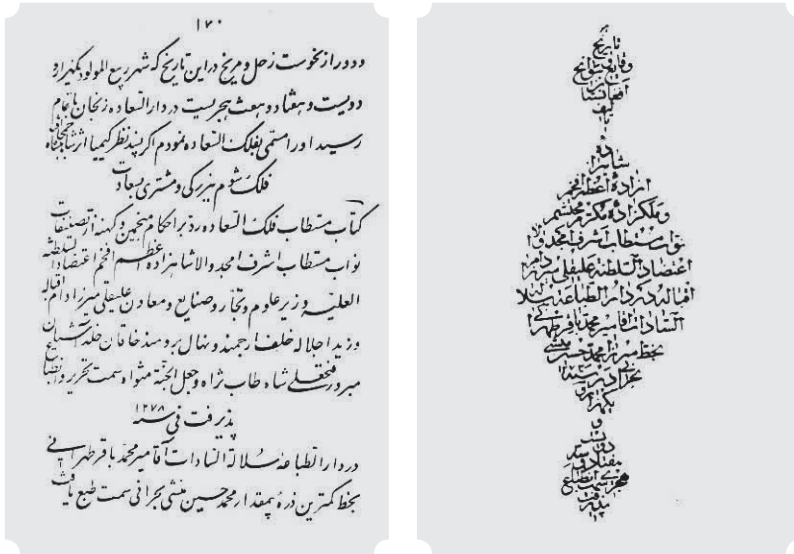
مقام اصلی و مداوم رئیس‌الکتاب بی‌گمان فعالیت در مدرسه دارالفنون بوده است که ابتدا سمت احکام‌نویس داشته و سپس سال‌ها مستوفی مدرسه بوده و پس از علی‌قلی خان مخیرالدوله ریاست کتابخانه دارالفنون نیز به او واگذار گردید.



میرزا محمدحسین رئیس‌الکتاب

۱. روزنامه، ایران، نمره ۷۲۸، شنبه ۱۲ صفر ۱۳۰۸ ق. ص ۴.
۲. روزنامه ایران، نمره ۸۵۶، شنبه ۱۷ ذیحجه ۱۳۱۲ ق. ص ۳.

رئیس‌الکتاب که از سال ۱۲۶۹ تا ۱۳۱۵ ق. نزدیک به نیم قرن در مدرسه دارالفنون فعالیت می‌کرد، شخصیتی با فرهنگ و اهل مطالعه و نگارش بود. چون احکام‌نویس و مستوفی بود، لذا دارای خط بسیار خوشی نیز بود. او هم‌چنین آثاری در نشر و نظم از خود بر جای گذاشته است که یکی از قطعه اشعار وی در انتهای کتاب «گنج دانش» درج شده است. همین‌طور از وی دست‌خط و نامه و یادداشت فراوانی بر جای مانده است.



صفحه نخست کتاب تاریخ وقایع و سوانح افغانستان (۱۲۷۳ ق.) و فلک السعادة (۱۲۷۸ ق.)
 نوشته اعتضاد السلطنه و کتابت محمد حسین رئیس‌الکتاب

لازم به ذکر است که بسیاری از کتبی که در دوره وزارت اعتضاد السلطنه به صورت چاپ سنگی در پایتخت منتشر می‌شد، بی‌گمان دور از نظارت وی نبوده است و سجع مهر رئیس‌الکتاب در صفحات بسیاری از کتب چاپ سنگی آن زمان درج شده است. کتبی نظیر دیوان شمس‌الحقایی مولوی معنوی (۱۲۸۲ ق.)، طوفان‌البکاء (۱۲۸۲ ق.)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (۱۲۸۳ ق.)، بیت‌الاحزان (۱۲۸۵ ق.)، شرح نظام (بی‌تا)، الظرائف و اللطائف فی المحاسن و الاضداد (۱۲۸۶ ق.)، بحر الغرایب (۱۲۸۷ ق.)، جواهر الکلام (۱۲۸۷ ق.)، کاشف‌الاسرار (۱۲۹۶ ق.)، خلاصه‌الخبار (بی‌تا)، سراج‌المتجهجین (بی‌تا) و... از جمله کتب چاپ سنگی دوره ناصری است که سجع مهر رئیس‌الکتاب بر صفحات آن‌ها مشاهده می‌شود.

جدا از این موارد، در دهه ۱۲۷۰ و ۱۲۸۰ ق. آثار زیادی با کتابت و خط وی به صورت چاپ سنگی منتشر شد که از میان آن‌ها باید به کتب ذیل اشاره نمود:

- سفرنامه عتبات که همراه ناصرالدین‌شاه بوده است.^۱
- توزوک تیموری از کتب مهدعلیا بوده که برای اردشیرمیرزا نوشته شده است.
- حدائق‌السر نوشته رشید و طواط که به دستور ناصرالدین‌شاه در ذی‌قعدة ۱۲۷۱ ق. تحریر و کتابت نموده است.
- تذکرة گنج شایگان که در سال ۱۲۷۲ ق. به فرمایش اعتضادالسلطنه کتابت نموده است. (این کتاب با امضای محمدحسین بحرانی کتابت شده و به‌صورت چاپ سنگی منتشر شده است).
- فلک‌السعادة نوشته اعتضادالسلطنه که در سال ۱۲۷۸ ق. با امضای محمدحسین منشی بحرانی کتابت و به‌صورت چاپ سنگی منتشر شده است.
- تاریخ وقایع و سوانح افغانستان نوشته اعتضادالسلطنه که در سال ۱۲۷۳ ق. با امضای میرزاحمدحسین منشی بحرانی کتابت و به‌صورت چاپ سنگی منتشر شده است.
- سفرنامه میرفتاح که با امضای محمدحسین بحرانی کتابت و منتشر شده است.
- و ...

خانه رئیس‌الکتاب در محله چاله‌حصار نزدیک میدان ارگ در جوار دستگاه ساری اصلان‌ها واقع بود. همسر وی نیز خواهر رحمت‌الله افشار ساری‌اصلان بود که حاصل آن دو فرزند به‌نام‌های میرزاعبدالوهاب و زهرا خانم بودند.

مواجه و خانواری رئیس‌الکتاب از محل تیولات کنگاور و اردبیل و مشهد و حقوق دارالفنون و کتابداری سلطنتی فراهم می‌شد که برخی از آن موجب تا سال ۱۳۰۵ خ. که از سوی پهلوی اول بازخرید گردید هم‌چنان در حق وراث آن خانواده باقی بود، اما میرزاحمدحسین رئیس‌الکتاب در تاریخ سلخ شوال ۱۳۱۵ ق. در حدود سن شصت و پنج سالگی چشم از جهان فرو بست و در مقبره شیخان واقع در شهر قم دفن گردید.

♦ میرزاعبدالوهاب خان رئیس‌الکتاب

میرزاعبدالوهاب، یگانه پسر میرزاحمدحسین رئیس‌الکتاب است که در دهه ۱۲۷۰ ق. در تهران چشم به جهان گشود. وی به‌واسطه پدرش که نایب وزارت علوم و از منشیان و مستوفیان و کاغزاران اصلی مدرسه دارالفنون بود، برای تحصیل در رشته نقاشی به مدرسه مزبور وارد گردید.

۱. ایرج افشار در این خصوص چنین نوشته است: «رئیس‌الکتاب از منشیان مشهور عصر ناصری است و در سفر عتبات ناصرالدین‌شاه همراه بود و علی‌الظاهر سفرنامه شاه را او تنظیم کرده است. رئیس‌الکتاب خلاصه منازل سفر را در بیاض خود نیز آورده است و یک صفحه از آن را به‌طور نمونه در مجله راهنمای کتاب (سال ۱۲، شماره ۳ و ۴) چاپ کرده‌ام.» (افشار، ایرج: خط یغمای جندقی، مجله یغما، شماره ۲۵۱، مرداد ۱۳۴۸ خ. ص ۲۶۹).

وی تحصیلات مقدماتی نقاشی را نزد مسیو کنستان فرا گرفت و در سلام مدرسه دارالفنون که به تاریخ چهارشنبه ۲۹ شعبان ۱۲۸۲ ق. برگزار شد، به‌عنوان شاگرد جدید نقاشی به دریافت مواجب از سوی ناصرالدین‌شاه سرافراز گردید. در مراسم سلام مدرسه دارالفنون که بعد از پایان امتحانات تحصیلی به تاریخ شنبه ۲۰ شعبان ۱۲۸۸ ق. در باغ همایون برگزار شد، میرزا عبدالوهاب به‌عنوان متعلمین مرتبه اول رشته نقاشی به دریافت نشان نقره قطعه و ده تومان انعام مفتخر شد.^۱



تصویر عبدالوهاب‌خان رئیس‌الکتاب (آرشیو خصوصی)

با ورود میرزا علی‌اکبرخان نقاش‌باشی به‌عنوان دومین معلم رسمی نقاشی مدرسه دارالفنون، میرزا عبدالوهاب جدا از تحصیل نقاشی در محضر وی به تحصیل زبان فرانسه نیز پرداخت. چنان‌چه در مراسم سلام بعدی مدرسه دارالفنون که به تاریخ پنج‌شنبه ۱۲ ذیحجه ۱۲۹۱ ق. در مدرسه مزبور برگزار شد، میرزا عبدالوهاب نه‌تنها مورد تشویق مقامات مدرسه واقع گردید، بلکه به دریافت یک نشان طلا و سی تومان اضافه مواجب نیز سرافراز شد که خوش‌بختانه متن فرمان و تشویق وی موجود است که از نظر می‌گذرد.

«شهر ذیحجه‌الحرام مطابق سال فرخنده فال ایت‌ئیل خیریت دلیل مرقوم می‌شود که چون عالی‌جاه عزت‌همراه میرزا عبدالوهاب سال‌هاست در مدرسه مبارکه دارالفنون

۱. روزنامه ایران، نمره ۵۵، جمعه ۱۷ رمضان ۱۲۸۸ ق. ص ۳.

به تحصیل درس زبان فرانسه و صنعت نقاشی اشتغال دارد و اکنون از شاگردان مخصوص نقاشی و زبان‌ست و مهارت تامه در علم و عمل خود پیدا کرده، مراتب هنرهای او در مجلس امتحان معلوم و مورد تحسین گردید. محض تشویق خاطر مشارالیه بر حسب امر قدر قدرت همایون جهان مطاع خلدالله ملکه به اعطای یک قطعه نشان طلا و مبلغ سی تومان اضافه موجب سرفراز آمد که باعث امیدواری او گشته، بدین موجب موجب خود را همه ساله اخذ و دریافت ساخته. مراقبت تامه برای زبان و تکمیل نقاشی به عمل آورد. عالی جاهان مقرب الخاقان و لشکر نویسان عظام و مباشرین وزارت علوم شرح حکم نظامی مدرسه مبارکه دارالفنون ضبط نمایند. تحریراً فی شهر فوق سنه ۱۲۹۱ [ق.]»

از این دوره به بعد، میرزا عبدالوهاب به‌عنوان یکی از خلیفه‌های نقاشی مدرسه دارالفنون نیز به فعالیت حرفه‌ای پرداخت و در مراسم سلام بعدی مدرسه دارالفنون که به تاریخ شنبه ۱۴ جمادی‌الاول ۱۲۹۷ ق. برگزار شد به دریافت لقب و خطاب خانی توأم با ده تومان انعام و سی تومان اضافه موجب سرفراز گردید.^۱

گفتنی است میرزا عبدالوهاب دارای صورتی لاغر و سبیلو بود که در یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه به تاریخ دوشنبه ۲۸ شوال ۱۳۰۲ ق. در وصف وی چنین نوشته شده است:

«یک روز هم پسر رئیس‌الکتاب را آوردند توی حوض‌خانه صاحبقرانیه که از او تحقیق کنیم. پسر زردانبوی سبیلوی بی‌ریش کثیفی است. مثل آدم‌های چرسی و تریاکی می‌ماند.»^۲

در سال‌نامه (۱۳۰۳ ق.) در زمره اسامی خلفای مدرسه دارالفنون، نام میرزا عبدالوهاب‌خان اگرچه ثبت شده، اما گویا رشته تحصیلی وی که نقاشی بوده است از قلم افتاده است. در سال‌نامه (۱۳۰۵ ق.) نام وی به‌عنوان «روزنامه‌نویس مدرسه» درج شده است. در سال‌نامه‌های (۱۳۰۶ ق.) و (۱۳۰۷ ق.) نام میرزا عبدالوهاب‌خان در قسمت کارکنان اداری اعضای مدرسه دارالفنون ثبت شده است.

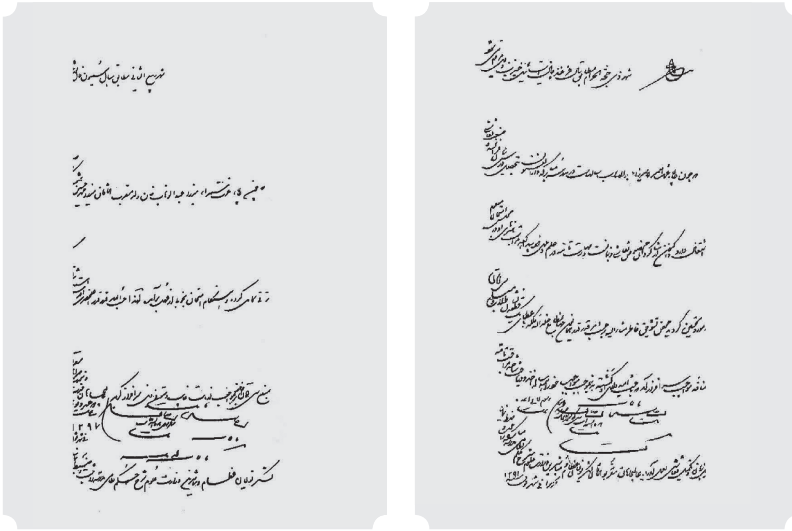
او در سال ۱۳۰۸ ق. به درجه سرهنگی نائل گردید و نامش در سال‌نامه (۱۳۰۸ ق.)، (۱۳۰۹ ق.) و (۱۳۱۱ ق.) در قسمت کارکنان اداری اعضای مدرسه دارالفنون با عنوان میرزا عبدالوهاب‌خان سرهنگ ثبت شده است.

وی در سال ۱۳۱۲ ق. به درجه سرتیپ سومی ارتقا یافت و نامش در سال‌نامه همان سال چنین درج شده است: «میرزا عبدالوهاب‌خان سرهنگ به منصب سرتیپی سوم نائل گردیده.»

۱. روزنامه مریخ، نمره ۱۸، چهارشنبه ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۹۷ ق. / ۲۶ می ۱۸۸۰ م. صص ۱-۴.
۲. بدیعی، پرویز: یادداشت‌های منتشرنشده روزانه ناصرالدین‌شاه (۶)، فصل‌نامه گنجینه اسناد، شماره ۲۷-۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۶ خ. ص ۳۰.

در سال نامه ۱۳۱۴ ق. نام میرزا عبدالوهاب خان سرتیپ به عنوان یکی از صاحب‌منصبان مدرسه دارالفنون قید شده است.

هم‌چنین در سندی خطی محفوظ در کاخ گلستان از وی در سال ۱۳۱۴ ق. با عنوان «میرزا عبدالوهاب خان سرتیپ، مدرس صنعت نقاشی و پرده‌کشی و سیاه‌قلم» یاد شده است.^۱



فرامین میرزا عبدالوهاب رئیس‌الکتاب از مدرسه دارالفنون

به تواریخ ذیحجه ۱۲۹۱ و ربیع‌الثانی ۱۲۹۷ ق.

میرزا عبدالوهاب خان که از هنرجویان قدیمی رشته نقاشی مدرسه دارالفنون بود، چندی بعد از وفات پدرش یعنی رئیس‌الکتاب، در اوایل سال ۱۳۱۶ ق. تمام مناصب و القاب پدرش را دریافت نمود و به لقب رئیس‌الکتاب مفتخر گردید که رونوشت فرمان وی بدین‌قرار است:

«میرزا محمدحسین رئیس‌الکتاب مستوفی دیوان اعلی که مدت پنجاه سال به خدمت‌گزاری دولت اشتغال داشت، چندگاه قبل به رحمت ایزدی پیوسته، لقب رئیس‌الکتابی و خطاب جنابی و مواجب و مرسوم و خدمت آن مرحوم بر حسب تصویب جناب نیرالملک (وزیر علوم) به میرزا عبدالوهاب خان خلف آن مرحوم که از تربیت‌یافتگان مخصوص مدرسه مبارکه دارالفنون است، مرحمت شد.»^۲

۱. کتابچه تفصیل مدرسه دارالفنون، نسخه خطی، ۱۳۱۴ ق. کاخ گلستان به شماره (۲۴۷).

۲. روزنامه ایران، نمره ۹۳۸، چهارشنبه ۱۶ صفر ۱۳۱۶ ق. گفتنی است که افضل‌الملک در کتاب افضل‌التواریخ (تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱ خ. صص ۳۵۷-۳۵۸) و عبدالحسین خان ملک‌المورخین در کتاب مرآت‌الوقایع مظفری (جلد ۱، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۵ خ. ص ۲۴۶) نیز همین موضوع را درج نمودند.

در سال‌نامه ۱۳۱۶ ق. نام میرزا عبدالوهاب‌خان در زمره رؤسا و مباشرین مدرسه مبارکه دارالفنون چنین درج شده است: «جناب میرزا عبدالوهاب‌خان رئیس‌الکتاب احکام‌نگار وزارت علوم.»

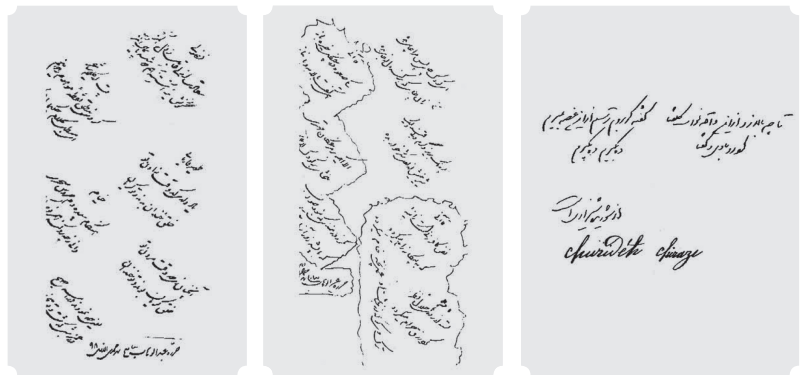
در سند خطی صورت اسامی رؤسا و شاگردان مدرسه دارالفنون که به سال ۱۳۱۶ ق. به صورت سیاق نوشته شده است، مواجب میرزا عبدالوهاب‌خان چنین درج شده است:

«رؤسا و مباشرین... معتمدالسلطان میرزا عبدالوهاب‌خان رئیس‌الکتاب و غیره. سی نفر از قرار ۳۴۴ تومان و ۳ قران. رئیس‌الکتاب ۳۳۶ تومان، ۵ تومان کسر می‌شود به خرج کنگاور منظور است. ۹۲ تومان.^۱»

سمت اداری میرزا عبدالوهاب‌خان در سال‌نامه (۱۳۱۷ ق.) به عنوان احکام‌نویس مدرسه دارالفنون قید شده است، اما در کتابچه خطی مخارج کشوری (سال ۱۳۱۸ ق.) با عنوان «معتمدالسلطان میرزا عبدالوهاب‌خان مستوفی، رئیس‌الکتاب، روزنامه‌نویس مدرسه دارالفنون» درج گردیده که دارای مواجب و مقرری بسیار نیز بوده است.^۲

هم‌چنین گفتنی است که یکی از فرزندانش، سال‌ها بعد نوشته است که میرزا عبدالوهاب مدتی نیز با درجه سرتیپی در مدرسه نظام ناصری به تدریس می‌پرداخت:

«میرزا عبدالوهاب‌خان رئیس‌الکتاب که خود از برکشیدگان دارالفنون بوده است، از قبل از زمان فوت پدر تا زمان درگذشت خود شاغل بوده است؛ و مدرس نقاشی و پرده‌کشی و سیاه‌قلم بوده است... درجه سرتیپی داشت و معلم وزارت جنگ و مدرسه دارالفنون بود.»^۳



چند دست‌خط از میرزا عبدالوهاب رئیس‌الکتاب

۱. سند صورت اسامی رؤسا و شاگردان مدرسه دارالفنون، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران به شماره (۳۶۵۶۲۱۰)، [۱۳۱۶ ق.، ص ۲].

۲. اسناد تاریخ معاصر ایران، مخارج کشوری، ۱۳۱۸ ق. شماره (م ۱۱۳-۳-۹۴۹-۰)، ص ۹۴۹.

۳. ساعدلو، مصطفی: صص ۲۶۶-۲۷۲.

متأسفانه به واسطه قصور وراث و فرزندان وی، شرح آثار و تابلوهایش که در زمان تحصیل و تدریس ترسیم نموده، میسر نیست. از آثار وی نیز تاکنون جز چند سطر و یادداشت چیز دیگری تاکنون به دست ما نرسیده است.

همچنین گفتنی است که وی صاحب کتابچه‌ای بوده که یادداشت‌های روزانه خود را در آن ثبت می‌نموده که امروزه از سرنوشت آن اطلاعی در دست نداریم.

میرزا عبدالوهاب‌خان در سنین جوانی با گوهر تاج خانم (دختر میرزا صادق امام‌وردی) ازدواج نمود و از وی صاحب سه پسر و سه دختر گردید که همگی به دیار باقی شتافته‌اند.

میرزا عبدالوهاب‌خان رئیس‌الکتاب دوم عمر چندانی نکرد و سه سال بعد از وفات پدرش، خود نیز در سال ۱۳۱۸ ق. درگذشت و سال‌ها بعد فرزندان وی فامیل ساعدلو را برای نام‌خانوادگی خود برگزیدند.

منابع

۱. اصفهانی، میرزا طاهر: گنج شایگان، چاپ سنگی، طهران، ۱۲۷۲ ق.
۲. اعتضادالسلطنه، علی‌قلی میرزا: تاریخ وقایع و سوانح افغانستان، چاپ سنگی، طهران، ۱۲۷۳ ق.
۳. اعتضادالسلطنه، علی‌قلی میرزا: فلک‌السعادة، چاپ سنگی، طهران، به‌کوشش میرمحمدباقر طهرانی، ۱۲۷۸ ق.
۴. افشار، ایرج: خط یغمای جندقی، مجله یغما، شماره ۲۵۱، مرداد ۱۳۴۸ خ.
۵. افضل‌الملک، غلام‌حسین: افضل‌التواریخ، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱ خ.
۶. بدیعی، پرویز: یادداشت‌های منتشرنشده روزانه ناصرالدین شاه (۶)، فصل‌نامه گنجینه اسناد، شماره ۲۷-۲۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۶ خ.
۷. روزنامه ایران، نمره ۵۵، جمعه ۱۷ رمضان ۱۲۸۸ ق.
۸. روزنامه ایران، نمره ۷۲۸، شنبه ۱۲ صفر ۱۳۰۸ ق.
۹. روزنامه ایران، نمره ۸۵۶، شنبه ۱۷ ذیحجه ۱۳۱۲ ق.
۱۰. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۶۴۰، پنج‌شنبه ۱۴ ذیحجه ۱۲۸۶ ق.
۱۱. روزنامه مریخ، نمره ۱۸، چهارشنبه ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۹۷ ق.
۱۲. روزنامه ایران، نمره ۹۳۸، چهارشنبه ۱۶ صفر ۱۳۱۶ ق.
۱۳. ساعدلو، مصطفی: میرزا محمدحسین مستوفی، مجله آینده، سال ۱۲، شماره ۴ و ۵ و ۶، تیر و مرداد و شهریور ۱۳۶۵ خ.
۱۴. سال‌نامه ۱۳۰۳ ق. (ضمیمه کتاب مطلع‌الشمس، جلد ۳، چاپ سنگی).
۱۵. سال‌نامه ۱۳۰۵ ق. (ضمیمه کتاب خیرات‌الحسان، جلد ۲، چاپ سنگی).
۱۶. سال‌نامه ۱۳۰۶ ق. (ضمیمه کتاب المآثر و الآثار، چاپ سنگی).
۱۷. سال‌نامه ۱۳۰۷ ق. (ضمیمه کتاب خیرات‌الحسان، جلد ۳، چاپ سنگی).
۱۸. سال‌نامه ۱۳۰۸ ق. (ضمیمه کتاب ذرالتیجان فی‌التاریخ بنی‌الاشکان، جلد ۱، چاپ سنگی).
۱۹. سال‌نامه ۱۳۰۹ ق. (ضمیمه کتاب ذرالتیجان فی‌التاریخ بنی‌الاشکان، جلد ۲، چاپ سنگی).
۲۰. سال‌نامه ۱۳۱۱ ق. (ضمیمه کتاب التدوین فی احوال جبال شروین، چاپ سنگی).
۲۱. سال‌نامه ۱۳۱۲ ق. (ضمیمه کتاب تاریخ فرانسه، جلد اول، چاپ سنگی).
۲۲. سال‌نامه ۱۳۱۴ ق. (ضمیمه کتاب تاریخ سلاطین ساسانی که طبقه چهارم از ملوک فرس یا پادشاهان عجم بوده‌اند، جلد اول، طهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۳ - ۱۳۱۴ ق.)
۲۳. سال‌نامه ۱۳۱۶ ق. (ضمیمه کتاب تاریخ سلاطین ساسانی که طبقه چهارم از ملوک فرس یا پادشاهان عجم بوده‌اند، جلد دوم، طهران، چاپ سنگی، ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶ ق.)
۲۴. کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، جلد ۱، لندن، ۱۳۶۳ خ.
۲۵. ملک‌المورخین، عبدالحسین خان: مرآت‌الوقایع مظفری، جلد ۱، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۵ خ.
۲۶. نوابی، عبدالحسین: مهدعلیا به روایت اسناد، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳ خ.
۲۷. --- کتابچه تفصیل مدرسه دارالفنون، نسخه خطی، ۱۳۱۴ ق. کاخ گلستان به‌شماره (۲۴۷).
۲۸. --- سند صورت اسامی رؤسا و شاگردان مدرسه دارالفنون، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران به‌شماره (۳۶۵۶۲۱۰)، [۱۳۱۶ ق.]
۲۹. --- دفتر مخارج کشوری، ۱۳۱۸ ق. اسناد تاریخ معاصر ایران، به‌شماره (م ۱۱۳-۳-۹۴۹-۰).
۳۰. --- مختصری از زندگی‌نامه محمدحسین رئیس‌الکتاب، مرکز اسناد کتابخانه ملی ایران، به‌شماره (۲۹۶/۰۲۴۱۹۱)